

معرفت و محبت؛ دوگام اساسی عشق

در نظر شیخ شهاب الدین سهروردی که خود هم اهل عشق است و هم اهل معرفت، مقام معرفت قبل از محبت است. در نظر او راه رسیدن به عالم عشق، همان راه محبت و معرفت است.



در نظر شیخ شهاب الدین سهروردی که خود هم اهل عشق است و هم اهل معرفت، مقام معرفت قبل از محبت است. در نظر او راه رسیدن به عالم عشق، همان راه محبت و معرفت است.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن ذیل با عنوان «معرفت و محبت؛ دوگام اساسی عشق» مطلب جدیدی است که در سایت شخصی دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی منتشر شده است.

عشق در حقیقت آن نیروی شورانگیز است که در نهاد هر انسان به طور فطری وجود دارد و انسان را به سوی خیر و کمال و جمال می کشاند. قدرت این نیرو با توجه به استعدادها و نحوه پرورش در انسانهای مختلف، متفاوت است. گاه در نهاد یک انسان مستعد چنان شوری و در دل او چنان جوششی ایجاد می کند که آتش شوق وصال محبوب اعماق دل را می سوزاند و هستی عاشق را به تاراج می برد. براساس این مطلب می توان ادعا کرد که منشأ محبت و عشق، معرفت است. بدین معنی که انسان کامل هنگامی که مراتب ترقی و تعالی روحی را پیمود و در طریق سیر و سلوک مرتبه ای یافت گاهی حالتی به او دست می دهد که در آن حالت از هر چیز حتی از خود بیگانه و از جسم و جان، ناآگاه می گردد و از زمان و مکان فارغ می شود و از فکر و نفس و عقل وارسته می گردد.

در آن هنگام مست عشق شده و میان خود و معشوق واسطه نمی بیند و تفاوت نمی گذارد و این همان عشق حقیقی است که در این همه در باب آن سخن گفته می شود. درست است که در عالم عشق سخن از شناخت و معرفت به میان نمی آید در این مساله نیز تردید نیست که زبان عشق غیر از زبان حکمت و معرفت است ولی با این همه عشق بدون نوعی از معرفت جایگاه درستی نداشته و از معنی محصلی نیز برخوردار نیست.

در نظر شیخ شهاب الدین سهروردی که خود هم اهل عشق است و هم اهل معرفت، مقام معرفت قبل از محبت است. در نظر او راه رسیدن به عالم عشق، همان راه محبت و معرفت است. محبت چون به غایت رسد آن را عشق خوانند و عشق خاص تر از محبت است زیرا که همه عشقی محبت باشد اما همه محبتی عشق نباشد و محبت خاص تر از معرفت است زیرا که همه محبتی معرفت نباشد اما همه معرفت نباشد و از معرفت دو چیز متقابل تولد یابد که آنها را محبت و عداوت خوانند زیرا که معرفت یا به چیزی خواهد بود مناسب و ملایم جسمانی یا روحانی که آن را خیر محض خوانند و کمال مطلق خوانند و نفس انسان طالب آن است و خواهد که خود را بدانجا رساند و کمال حاصل کند یا به چیزی خواهد بود که نه ملایم بود و نه مناسب خواه جسمانی و خواه روحانی که آن را شر محض خوانند و نقص مطلق دانند و نفس انسانی دائم از آن گریزان است و از آن نفرتی طبیعی حاصل شود.

از اول محبت خیزد و از دوم عداوت. پس اول پایه معرفت است و دوم پایه محبت و سوم پایه عشق و به عالم عشق که بالای همه است نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایه نردبان نسازد و معنی «خطوتین و قدوصلت» این است و همچنان که عالم عشق منتهای عالم معرفت و محبت است اصل و منتهای علمای راسخ و حکمای متأله نیز باشد.

همانسان که مشاهده می شود در نظر سهروردی رسیدن به مقام عشق بدون برداشتن دو گام اساسی یعنی معرفت و محبت امکان پذیر نیست. به عبارت دیگر می توان گفت عشق اگر مسبوق به نوعی معرفت نباشد معنی محصل و توجیه پذیری نداشته و تا سرحد یک نوع غریزه حیوانی تنزل خواهد کرد.

وقتی سهروردی عشق را مسبوق به محبت و محبت را مسبوق به معرفت می داند، معنی سخن وی این است که عشق صورتی از صور معرفت و جلوه ای از تجلیات آن به شمار می آید البته معرفت دارای صورتها و تجلیات دیگری نیز هست که عشق عرفانی عالی ترین و لطیف ترین صورت آن شناخت می شود.